

نظام جبران خسارت فرآورده‌های خونی

مریم احمدی پرتوی^۱

فریدون نهرینی^۲

چکیده

امروزه استفاده از خون و مشتقات آن در تامین سلامت شهروندان جایگاه ویژه‌ای دارد. با وجود این، طی سال‌های اخیر بنا به آلودگی‌های منتقله و در پی آن ابتلای افراد نیازمند خون، به بیماری‌های خطرناک و لاعلاجی چون ایدز، هپاتیت B، C، ... مصرف کنندگان را بر آن داشت که در مقام دادخواهی و احقاق حق روانه محاکم دادگستری شوند. باید در نظر داشت که دولت، در مقام اعمال حاکمیت و به عنوان متولی انحصاری تولید و توزیع فرآورده‌های خونی، به تولید کالاهایی اقدام می‌نماید که ناامنی آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است و به همین لحاظ، به رعایت تعهد ایمنی و ارائه اطلاعات و هشدارهای لازم در زمینه با عوارض تاخیری طب انتقال خون به عموم مردم مکلف می‌باشد. در حال حاضر، مطابق قوانین موجود، دکترین حقوق و رویه قضایی، سازمان انتقال خون و مرکز پژوهش و پالایش خون که تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حال فعالیت هستند، به علت عدم رعایت تعهد ایمنی به نتیجه و به رغم حاکمیتی بودن عمل و ظاهر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در زمینه مصونیت دولت از جبران ضرر در اعمال حاکمیت، به نحو تساوی به جبران خسارات جسمانی، مادی و معنوی وارده به زیاندیدگان ملزم هستند و احقاق حقوق این افراد از طریق محاکم حقوقی طبق صلاحیت ذاتی این دادگاه‌ها و نیز در قالب شکایت بر اساس صلاحیت اضافی و استثنایی مراجع کیفری امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، فرآورده‌های خونی، جبران خسارت.



۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری.

Email: ahmadipartovi@ut.ac.ir

Email: f.nahreini@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری

مقدمه

در گذشته دور، به ویژه در میان اعراب و در دوران جاهلیت هیچ‌گونه استفاده‌ای از خون، به جز آشامیدن رایج نبوده است. بسیاری از فقها با استناد به برخی آیات از قرآن کریم مانند آیه ۳ سوره مائده، آیه ۱۴۵ سوره انعام، آیه ۱۱۵ سوره نحل (اسماعیلی، ۱۳۷۳: ص ۱۴۹)، در خصوص حرمت خون، سنت و روایاتی که بر حرمت خوردن خون تأکید دارند و نیز اجماع و با توجه به عدم منفعت حلال عقلایی برای خرید و فروش خون به لحاظ مالکیت نداشتن خون؛ داد و ستد و کاسبی با آن را "اکل مال به باطل" دانسته و به تحریم خرید و فروش خون فتوا داده‌اند. امروزه با پیشرفت دانش و استفاده‌های گوناگون از خون، به ویژه خون انسان و فرآورده‌های آن، این ماده نقش و جایگاه ویژه و حیاتی یافته است. از این رو، خرید و فروش آن از مصادیق اکل مال به باطل نخواهد بود. فقهای کنفرانس اسلامی نیز نه تنها داد و ستد خون را جایز نمی‌دانند، بلکه هدیه آن را به غیر از عوض مالی مشروط کرده‌اند. بنابراین، معیار و ملاک در جواز خرید و فروش خون، داشتن مالیت و منفعت حلال عقلایی است و در این‌که خرید و فروش خون برای خوردن حرام است، هیچ تردیدی نیست. همچنین باید گفت که صرف نجاست خون موجب حرمت خرید و فروش آن نیست و اشکالی ندارد که چیزی نجس باشد، ولی خرید و فروش آن حرام نباشد. در چند دهه گذشته شاهد پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه تامین محصولات خونی بودیم؛ اما آلودگی و بیماری‌های ویروسی ناشی از فرآورده‌ها آن قدر شیوع داشته و شمار ابتلا شهروندان افزایش یافته که بی تردید می‌توان گفت حیات و سلامت بشر مدام با تهدید روبه رو است. به همین جهت، تمهیدی اتخاذ گشته تا دولت در امر تولید و توزیع مداخله و نظارت نموده و با در دست گرفتن انحصاری روند تولید درصدد حمایت و محافظت از سلامت و بهداشت شهروندان تحت سیطره خود برآید. براساس دیدگاهی که در گذشته وجود داشت دولت به اقدام به هر نوع کاری مجاز بود و اگر از این رهگذر زبانی به



اشخاص وارد می‌آمد، به لحاظ تقدس دولت مسکوت گذارده می‌شد؛ اما امروزه تردیدی نداریم که دولت به عنوان یک شخصیت حقوقی حقوق عمومی می‌تواند چون اشخاص حقیقی طرف حق و تکلیف واقع شده و مسئولیت مدنی داشته باشد. با توجه به مطالب ذکر شده اهداف این تحقیق عبارتند از: (۱) تبیین مبنای مسئولیت غیر قراردادی دولت در تولید و توزیع فرآورده‌های خونی؛ (۲) تبیین لزوم جبران خسارت اشخاصی که بر اثر تزریق خون مبتلا به بیماری‌های ویروسی این فرآورده حیاتی شده‌اند.

تولید فرآورده‌های خونی و اشخاص مرتبط با آن

"خون" ماده مقدسی است که قداست آن از دوران اساطیری تا به امروز پابرجاست. جنگ جهانی دوم و جنگ ویتنام با تمام فجایع و کشتارهای بی‌رحمانه‌اش این فرصت را به دست داد که با تزریق خون، جان هزاران مجروح جنگی نجات یابد و از آن پس انیستیتوهای انتقال خون و تهیه فرآورده‌های خونی برپا گردید و بیمارستان‌ها به ایجاد بخش‌های انتقال خون مجهز گردیدند (نوری، ۱۳۸۰). از آنجا که خون یک ماده ساده نیست و حاوی آنتی ژن‌ها و آنتی بادی‌های متنوع، پروتئین‌های گوناگون و سایر عناصری می‌باشد که هر کدام از آن‌ها می‌توانند باعث واکنش نامطلوبی در شخص گیرنده شوند؛ باید تجویز هر فرآورده متناسب با نیاز بیمار باشد (همان، صص ۵-۴). هر ماده درمانی تهیه شده از خون انسان فرآورده خونی نامیده می‌شود از خون می‌توان انواع فرآورده‌های خونی با کاربردهای درمانی متفاوت به دست آورد. از آنجایی که انتقال خون در واقع پیوند بافت از یک اهدا کننده به یک گیرنده می‌باشد، احتمال انتقال عفونت ناشی از انتقال خون و ایجاد پاسخ‌های ایمنولوژیکی به سلول‌های غیرخودی و یا پروتئین‌های پلاسمایی برای گیرنده همواره وجود دارد (همان، صص ۸۲). سازمان جهانی بهداشت توصیه می‌کند که تمام خون‌های اهدایی بایستی از نظر HIV، هپاتیت B و هپاتیت C غربالگری شوند. بسیاری از کشورها، مکانیزم آزمایشی قابل اطمینان ندارند، که این به دلیل کمبود نیرو، فقدان خدمات آزمایشگاهی ابتدایی، تجهیزات آزمایشگاهی با کیفیت پایین و نیز جمع آوری نامرتب خون می‌باشد (ادیبی مطلق،



۱۳۸۶: ص ۱۵۶). در ایران پیش از سال ۱۳۲۴ انتقال خون‌های پراکنده در بیمارستان‌های مختلف انجام می‌شد؛ ولی در این مورد شواهد قابل اعتمادی وجود ندارد. در زمینه تهیه فرآورده‌های خون، مرکز خون ارتش از سال ۱۳۴۰ به بعد به تهیه فرآورده‌های سلولی و پلاسمایی در حد محدود اقدام کرد و در همین سال‌ها بود که با همکاری انستیتو پاستور ایران، اقدام برای پالایش پلاسما و تهیه فرآورده‌های آن صورت گرفت (<http://www.irarticles.com/article.php>). با تاسیس سازمان انتقال خون ایران در سال ۱۳۵۳ کوشش‌های چند ساله به ثمر رسید و انتقال خون، در ایران قانونمند شد. در سال ۱۳۵۸ در پی تجدید نظر کلی در بودجه کشور، سازمان انتقال خون به عنوان یک دستگاه دولتی وابسته به وزارت بهداشتی در آمد و تابع مقررات عمومی دولت شد. در خرداد ماه ۱۳۶۳ اساسنامه سازمان انتقال خون ایران تصویب شد و سازمان انتقال خون به عنوان تنها متولی تامین خون و فرآورده‌های خونی ایران درآمد. قبل از سال ۱۳۸۷، مرکز پژوهش و پالایش خون به عنوان زیر مجموعه‌ای از سازمان انتقال خون عهده دار تولید فرآورده‌های خونی بوده است؛ اما در سال ۱۳۸۷، به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل درآمد و دارای مسئولیت‌ها، وظایف و تعهداتی مستقل از سازمان انتقال خون گردید.

(<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx>). تولیدات این شرکت به دو دسته داروهای مشتق از پلاسما و معرف‌های آزمایشگاهی به صورت محدود تقسیم می‌شود (<http://www.ibto.behdasht.gov.ir/index.aspx>). در حال حاضر، سازمان انتقال خون در ایران بالاترین و تنها مرجع تصمیم‌گیری در زمینه تامین و توزیع خون و فرآورده‌های خونی سالم در سطح کشور است و تمامی تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فرآورده‌های خونی مستقیماً به این سازمان مربوط است (محمدخانی، ۱۳۸۶: ص ۹۸).

مسئولیت مدنی و نظام جبران خسارت

"مسئولیت" را در حقوق مدنی این‌گونه تعریف کرده‌اند: "تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد." در فقه در همین معنی، لفظ "ضمان" به کار برده شده و

معنی آن هر نوع مسؤولیت، اعم از مسؤولیت مالی و مسؤولیت کیفری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ص ۶۴۲). واژه مسؤولیت در زبان عربی مصدر جعلی از "مسؤول" است که در آیات و احادیث اسلامی به معنی مورد بازخواست و مجازات واقع شدن به دلیل انجام دادن یا خودداری ورزیدن از انجام دادن کاری به کار رفته است و به این معنی با دو اصطلاح "تکلیف" و "اهلیت" در اصول مترادف است (بادینی، ۱۳۸۴: صص ۲۹-۲۸) و "ضمان" نیز در حقوق اسلام، به معنی برعهده گرفتن، ملتزم شدن و کفیل شدن آمده است که "معنی آن هر نوع مسؤولیت، اعم از مسؤولیت مالی و کیفری است" (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰). انسان موجودی آزاد و مختار آفریده شده است. این اختیار و فرماندهی عقل باعث شده که انسان نسبت به اعمال و رفتار خویش پاسخگو باشد و بتوان وی را مورد سؤال و سرزنش قرار داد (دالوند، ۱۳۸۶: ص ۱۷). معادل فارسی این عبارت "پاسخگویی" است که معنای آن از لحاظ لغوی تا حدودی واضح و روشن است و ابهامی ندارد. در اصطلاح حقوقی نیز این عبارت از معنای لغوی آن دور نشده است؛ زیرا مسؤولیت عبارت از پاسخگویی شخص در قبال اعمالی است که عرفاً به او استناد داده می شود که ضمانت اجرای قانونی آن برحسب نوع مسؤولیت متفاوت است (باریکلو، ۱۳۸۵: ص ۲۲). در مورد مسؤولیت قراردادی^۱ و مسؤولیت قهری^۲ می توان گفت اشتراک میان این دو وضع حقوقی در تدارک خسارت زیان دیده است و آن که خسارت به او منتسب است، باید درصدد جبران خسارت زیان دیده برآید و اثبات تقصیر در هیچ یک از این دو وضعیت شرط نیست (جعفری تبار، ۱۳۸۹: ص ۷۷). "مسؤولیت قراردادی" عبارت از تعهدی است که در نتیجه تخلف از مفاد قراردادهای خصوصی برای اشخاص ایجاد می شود (صفری، ۱۳۷۷: ص ۱۳) و می توان گفت مسؤولیت، در صورتی قراردادی است که شرایط ذیل فراهم باشد: مسؤولیتی که پیش از انعقاد قرارداد به وجود می آید، نوعی مسؤولیت قهری است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ص ۷۲) همچنین در صورتی که

-
1. Responsabilite contractuelle Contractual Liability
 2. Responsabilite delictuelle Civil Liability

عمل زیانبار پس از اتمام قرارداد باشد و یا قرارداد باطل باشد، مسؤولیت قراردادی نیست (حسینی نژاد، ۱۳۷۷: ص ۱۷). نقض قرارداد ممکن است به صورت ترک فعل یعنی انجام ندادن تعهد یا انجام دادن فعل با تاخیر و یا خارج از چهارچوب شرایط و مفاد قراردادی باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ص ۶۴۳). گاهی ممکن است تعهداتی مطابق قانون، عرف و یا شروط ضمنی بر متعهدله قرارداد تحمیل شود که نقض هر یک از آنها نیز به مسؤولیت قراردادی منجر خواهد شد (شهیدی، ۱۳۸۳: ص ۳۲). مطابق این شرط خسارت باید ناشی از نقض قرارداد یا به عبارتی تخلف قراردادی باشد. البته می‌دانیم که اگر خسارت ناشی از قرارداد نباشد، مسؤولیت قهری با احراز شرایط آن، موجود خواهد بود (ژوردن، ۱۳۸۶: صص ۱۷-۱۸). از لحاظ حقوقی تنها اشخاص حقیقی دارای مسؤولیت نیستند بلکه اشخاص حقوقی، اعم از اشخاص حقوقی خصوصی و حقوق عمومی بر خلاف این اعتقاد که چون اراده مستقلی ندارند، در قبال اعمال خود مسؤول هستند؛ زیرا این پدیده‌های معنوی اراده خود را از طریق نهادهایشان مانند هیأت‌ها، شوراها و مدیران نشان می‌دهند. بنابراین، اعمالی که انجام می‌دهند قابلیت انتساب به آنها را دارا است. توجه به این نکته، مهم است که در دوره‌های زمانی، معانی تقصیر تغییر کرده؛ رفته رفته تقصیر، مفهوم اخلاقی خود را از دست داده و در قرن حاضر مفهومی اجتماعی و نوعی یافته و بهترین ملاک آن در نظر گرفتن یک شخص متعارف و محتاط در آن اوضاع و احوال است. امروزه رویه قضایی و دکترین و برخی قوانین برای اشخاص حقوقی مسؤولیت کیفری شناخته‌اند که به صورت انحلال، مصادره اموال، جریمه، نشر حکم و... متصور است. لذا منطقی نیست که مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را بپذیریم و مسؤولیت مدنی آنها را دور از ذهن بدانیم. حداقل از راه قیاس می‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت (اکبری، ۱۳۸۴: صص ۱۷-۱۸). بنابراین، تمامی اشخاص حقوقی، در صورت اضرار مسؤول جبران زیان‌های وارده می‌باشند و از این لحاظ بین شخص طبیعی و حقوقی تفاوتی نیست (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۰: صص ۱۷۱-۱۷۰).



ارکان مسؤولیت مدنی

موضوع مسؤولیت مدنی، جبران ضرر یا خسارت است و تا زمانی که ضرر محقق نشود، مسؤولیت مدنی سالبه به انتفای موضوع است لذا وجود ضرر، شرط موضوعی مسؤولیت مدنی است. ضرر عبارت است از هر کاستی و نقصانی که بر مال یا حق مالی یا جسم یا حیثیت و شهرت یا عواطف شخصی به طور ناروا و ناخواسته و به تعبیری "من غیر حق" از طرف دیگر وارد شود (نائینی، ۱۴۱۸: ص ۳۷۸). از نظر حقوقی، هر ضرری قابل جبران نیست، بلکه ضرری قابل جبران است که دارای شرایط خاصی باشد و در صورت جمع شرایط می‌توان انتظار جبران خسارت را داشت (مهمان نوازن، ۱۳۸۸: ص ۸۳). ضرر بدنی یا جسمانی عبارت است از هر نوع لطمه و کاستی که بر تمامیت جسمانی شخص وارد آید. این نوع ضرر مختص شخص حقیقی است (باریکلو، ۱۳۸۵: ص ۶۹)؛ زیرا شخص حقوقی وجود عینی، واقعی و ملموس نداشته و وجود آن اعتباری است. از آن جا که در حقوق اسلام، نظام جبران خسارت بدنی از نظام جبران خسارت مالی جدا گردیده و با لحاظ مواد ۱ و ۵ ق.م.م، برخی قواعد فقهی، مانند بنای عقلا، قاعده لاضرر، نفی حرج و تسبیب و رویه قضایی موجود؛ خسارت مازاد بر دیه قابل جبران است و نباید دیه را مبلغ مقطوعی تلقی کرد که در صورت اثبات ورود ضرر بیشتر، زیان‌دیده نتواند جبران آن را تقاضا نماید و باید گفت اثبات شی نفی ماعدا نمی‌کند (بادینی، ۱۳۸۴: صص ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۴۲-۳۴۱)؛ بلکه حکمت مقدار و مبلغ مقطوع (محمدپور، ۱۳۷۶: ص ۵۲)، دیه گویای حداقل میزان ضرر است و نسبت به مازاد آن بر اساس قواعد فقهی و قانون می‌توان به جبران خسارت حکم داد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ص ۲۹۰). همان گونه که زیان‌دیده در مواردی می‌تواند هم از طریق بیمه و هم از طریق نظام مسؤولیت مدنی تقاضای جبران خسارت کند و این امر با اصل منع چند وسیله جبران ضرر مغایر نیست. در صورت اثبات ورود ضرر بیش تر، مطابق قواعد مسؤولیت مدنی، زیان‌دیده می‌تواند جبران خسارت مازاد بر دیه را از عامل زیان تقاضا بنماید (بادینی، ۱۳۸۷: ص ۶۱ و کاتوزیان، ۱۳۷۱: صص ۲۸-۲۶) و این با "هدف مسؤولیت مدنی که هیچ زیان ناروایی نباید جبران نشده باقی بماند (اخوی و کاشانی، ۱۳۸۰: ص ۵۶)" نیز سازگاری دارد و نباید آن را جبران خسارت مضاعف زیان‌دیده پنداشت.

1. Double recovery compensation

جبران خسارت زیان دیدگان

با توجه به امکانات و منابع مالی بسیاری که دولت در اختیار دارد، سهم فراوانی در زمینه جبران خسارت خواهد داشت. در مواردی که حاکی از مسئولیت داشتن دولت‌ها در قبال خسارات اشخاص است، دولت‌ها به بهانه‌های مختلف از جبران خسارت متضررین استنکاف کرده‌اند و به همین علت اصلی تحت عنوان اصل "جبران دولتی خسارت" تأسیس و به کار گرفته شده است (آشوری، ۱۳۷۶: صص ۳۹ و ۸۱-۸۰). دین مبین اسلام در موارد متعدد به ضمان بیت المال و هدر نرفتن خون مسلمان تأکید کرده است. در متون فقهی نیز موارد متعددی را می‌توان یافت که پرداخت خون بها به عهده بیت المال یا امام نهاده شده است. به عبارتی، دولت به عنوان شخص حقوقی از اموال و دارایی خود در جهت جبران خسارات وارده باید اقدام کند. در قدیمی‌ترین متون فقهی این نظریه که در صورت دخالت چند سبب در ایجاد ضرر، حکم به تساوی مسئولیت داده می‌شود (سراج، ۱۴۱۰: ص ۱۸۹)؛ به این صورت آمده است: هرگاه دو نفر عمداً با هم تصادم کنند و هر دو بمیرند، هر کدام مسؤول نصف دیه طرف مقابل است که باید از ترکه هر کدام پرداخت شود؛ زیرا هر دو در ایجاد سبب مرگ دخالت داشته‌اند" (قاضی عبدالعزیز ابن براج، ۱۹۹۱: ص ۱۵۶). صاحب جواهر نیز در موردی که دو سبب در ایجاد خسارت دخالت دارند، معتقد است مسئولیت به طور مساوی تقسیم می‌شود و هر کدام مسؤول نصف خسارت است (نجفی، ۱۴۰۲: ص ۶۳).



رویه قضایی در نحوه جبران خسارت معنوی توسط دولت

علاوه بر خسارات مادی و تامین هزینه‌های درمان بیماران، ضرر و زیان‌های معنوی و روانی، اگرچه غیر قابل جبران می‌نماید؛ بنا به تشفی خاطر بیماران از آن بحث می‌شود و نیز از آن حیث که "عمده مبنای قانونی مطالبه خسارت معنوی در نظام حقوقی فعلی ایران اصول ۱۶۷ و ۱۷۱ ق.ا، مواد ۶۹۸ و ۵۸ ق.م.ا، مواد ۱۰، ۹، ۸، ۲ و ۱ ق.م.ا و بند ۲ ماده ۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۲۹۰ (قابل اجرا در محاکم نظامی) است و در سایر قوانین چون قانون تجارت در مورد سوء استفاده از اسم تجارتي، قانون ثبت علائم و اختراعات، قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان، قانون مطبوعات و قانون

مدنی جلوه‌هایی از خسارت معنوی وجود دارد" (نجفی فتاحی، ۱۳۸۴: ص ۱۶۱). بحث ضرورت جبران خسارت معنوی (قاسم زاده، ۱۳۸۷، صص ۸۴-۸۵) که تعیین معیار و میزان آن به عهده منصب قضا است، مطرح می‌شود. اگرچه موضوع زیان‌های معنوی اموری غیر مادی و غیر محسوس است و جبران مالی آن تا حدی با قواعد اخلاقی منافات دارد؛ از آنجایی که ضرر معنوی به تحقیق واقع گشته، پس بلا جبران ماندن آن خالی از اشکال نیست (پروین، ۱۳۸۰: ص ۱۸۳). قانونگذار دو روش مادی و غیر مادی را جهت جبران ضرر معنوی مورد نظر قرار داده و به عنوان یک قاعده کلی، ماده ۳ ق.م.م مقرر می‌دارد: "دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین می‌کند." طبق این ماده طریق جبران خسارت در اختیار قاضی است؛ ضمن آن که ماده ۱۰ همین قانون راهی دیگر و جبران غیر مالی خسارت را از طریق الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن مقرر داشته که با توجه به صراحت این ماده، جبران مالی و غیر مالی خسارت معنوی به صورت توأمان قابل صدور حکم هستند.

اقامه دعوا مسئولیت مدنی و مرجع صالح

در هر سیستم حقوقی، برای طرح دعوا و تعیین صلاحیت، مرجع، تشریفات و قواعدی تمهید شده است. در کشور ما اصل ۳۴ ق.ا مقرر می‌دارد: "دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد." اما برای طرح دعوا طبق ماده ۱ آ.د.م رعایت اصول و تشریفات ضروری است. از جمله مباحث مهم در این زمینه صلاحیت ذاتی است، زیرا زیان دیده برای دادخواهی و جبران خسارت خود ناگزیر از طرح دعوا است؛ ولی صلاحیت مرجع رسیدگی به دعوای مسئولیت مدنی دولت دارای اهمیت است. در این زمینه دو شیوه برای زیان دیده ممکن است متصور باشد؛ نخست طرح دعوای حقوقی ضمان قهری و دوم شکایت کیفری و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم. در فقه در اثبات امر قضاوت شده استدلال

کرده‌اند که در برخی از آیات قرآن کریم، از جمله آیه ۳۶ سوره احزاب چنین آمده است که اگر خدا و رسول او نسبت به امری قضاوت نمایند، هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای حق ندارد برخلاف آن قضاوت کنند، بنابراین، امر قضاوت شده یک اصل ثابت و غیرقابل تغییر می‌باشد (حبیبی، ۱۳۸۴: ص ۶۲). "حاکمیت امر مختوم کیفری بر کیفری ایجاب می‌کند که از طرح مجدد دعوای کیفری خودداری شود؛ اما این حاکمیت مانع از آن نیست که متضرر از جرم، دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم را متعاقب بر تصمیم مراجع کیفری اقامه کند" (آشوری، ۱۳۸۶: صص ۲۳۷-۲۳۶).

موانع قانونی مسؤولیت مدنی دولت

در مسؤولیت قهری مواردی وجود دارد که رابطه سببیت میان فاعل زیان زننده و زیان وارده از بین رفته، یعنی در ارکان مسؤولیت خلل به وجود می‌آید و یا مسؤولیت مدنی بنا به عللی منتفی می‌شود. این اسباب معافیت از مسؤولیت مدنی ممکن است ناشی از عوامل توجیه کننده عمل زیانبار یا بر اثر دخالت اسباب خارجی باشد. از جمله قواعدی که در استنباط احکام فقهی نقش بسزایی دارد، قاعده "کل حرام مضطر الیه، فهو حلال" است که از قواعد کاربردی و اساسی فقه بوده و با نام قاعده اضطرار شهرت یافته است (<http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles>). بنا به مفاد این قاعده، در فرضی که شخص برای دفع ضرر، ناگزیر به دیگری زیان وارد سازد، این پرسش در میان است که آیا در چنین فرضی که "اضطرار" نام دارد، مسؤولیت مدنی زیان زننده منتفی خواهد شد؟ غزالی می‌گوید: "کلیه محرمات، به هنگام ضرورت، مباح می‌گردند" و نیز گفته شده که ضرورت‌ها، موانع قانونی را از بین می‌برند" (گلستانی، ۱۳۸۶: ص ۲۴۱)؛ چرا که به موجب حدیث رفع، آثار ۹ چیز از امت اسلامی برداشته شده است؛ اما این گونه نیست که هر کس به دیگری زیان وارد سازد، به استناد اضطرار انتظار سلب مسؤولیت داشته باشد، بلکه در اضطرار شرایطی چون وجود خطر یا قریب الوقوع بودن آن، ضروری و متناسب بودن اقدام و عمل ارتكابی برای رفع خطر و فقدان طریقه بهتر برای دفع خطر، ... اهمیت دارد که در صورت تحقق آنها مسؤولیت مضطر زایل خواهد شد (توسلی جهرمی، ۱۳۸۲: ص ۶۵) این که آیا یک انسان متعارف در



رویاری با چنین خطر و تهدیدی به ایراد چنین خسارتی اقدام می‌نمود یا خیر؛ نگرش مهمی است که می‌توان در حقوق فرانسه مشاهده کرد. بررسی رویه قضایی در نشان می‌دهد آرای قابل ذکری که به تبیین مرزهای مفهومی اعمال حاکمیت و تصدی کمک نماید، صادر نشده و بدین لحاظ، به ویژه فقدان رای وحدت رویه، هنوز معلوم نیست دادگاه‌ها چه اعمالی را در شمار اعمال حاکمیت تلقی می‌کنند. رای هیأ عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۴۸ از موارد استثنایی به شمار می‌آید که طبق آن تغییر تابعیت از اعمال حاکمیت دولت تلقی گردیده و در نتیجه رسیدگی به دادخواست ترک تابعیت فقط در صلاحیت هیئت وزیران اعلام شده است (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ص ۸۲۴).

دادنامه ۷۸ الی ۱۰۵۲ شعبه ۱۰۶۰ دادگاه عمومی تهران - ۱۳۸۳/۴/۲۴، یا همان رای معروف هموفیلی‌ها، با امعان نظر مبنی بر این که "در عصر حاضر دولت و حتی سازمان‌های عمومی در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، زندگی جمعی شهروندان کشور دخالت می‌کند و برای پیشبرد برنامه‌ها و ابزارهای فنی و مادی بسیاری به کار می‌گیرد"؛ از لزوم فعالیت و مداخله گسترده دولت صحبت می‌کند که خود به آن واقف است و به لحاظ احتمال ایراد زیان به اشخاص از نظر علمی و منطق حقوقی و اخلاق از لزوم جبران این خسارات و مسئولیت دولت سخن می‌گوید. اشاره دادگاه به اینکه دولت صرفاً متصدی بوده و اقدام دولت در تولید خارجی و عرضه آن از جمله اعمال حاکمیت نمی‌باشد، قانع‌کننده نیست و به اعتقاد برخی استادان "ظاهراً اشاره به تصدی گری دولت برای اجتناب از معافیت دولت از پرداخت خسارت به موجب قسمت اخیر ماده ۱۱ ق.م.م. صورت گرفته است" (سیفی، ۱۳۸۴: ص ۲۸۸). گاهی زیان زننده به منظور معافیت و رهایی از مسئولیت به صورت جزئی یا کلی ادعا می‌کند که عامل دیگری، به نحو موثر در ایجاد خسارت تاثیر داشته و میان عامل مزبور با خسارت رابطه سببیت وجود دارد که این عامل یا سبب خارجی نامیده می‌شود. به دیگر سخن، سبب خارجی حادثه‌ای است که رابطه سببیت بین فعل زیانبار و خسارت ثابت شده را قطع و یا دست کم آن را سست می‌کند. اگر رابطه سبب خارجی با خسارت به حدی قوی باشد که موجب قطع رابطه سببیت بین فعل زیان زننده و خسارت شود، خواننده به طور

کامل از مسؤولیت معاف خواهد شد؛ اما اگر فقط رابطه موصوف را سست کند و معلوم شود که خسارت دارای دو سبب متفاوت است، نقش سبب خارجی محدود کردن دامنه مسؤولیت است (شرافت پیما، ۱۳۸۶: صص ۹۵-۸۲).

نتیجه گیری

در گذشته صحبتی از فواید خون نبود و مردم می پنداشتند که خون به دلیل ماهیت نجس آن، خود هیچ کاربرد و منفعت عقلایی ندارد؛ اما رفته رفته و با توجه به تحولات جامعه امروزی و دوران صنعتی شدن عصر حاضر و ارتقای جایگاه این محصول انسانی در علم پزشکی، حرمت داد و ستد آن گرد فراموشی گرفته و منافع آن در نجات جان آدمی محل بحث و مذاقه است؛ زیرا فرآورده‌های خونی جدا از خواص درمانی، ممکن است موجب ایراد خساراتی مهلک شوند که بروز این خسارات نوین، اما دردناک و ناگوار از دیدگاه زیان دیده بسیار رنج آور بوده و هر شخصی را به فکر جبران خسارات ناشی از آن می اندازد. باید گفت که به رغم نقش سازنده و پیشرفت‌های علم پزشکی در زمینه تهیه و انتقال فرآورده‌های خونی و تاثیر حیاتی این محصولات در استمرار زندگی بیماران تالاسمی، هموفیلی و یا کسانی که به هر علتی به تزریق خون نیاز مبرم پیدا می کنند؛ به لحاظ آن که دوری جستن از عوارض و ناایمنی مشتقات خونی ناممکن بوده و به نحوی غیر قابل اجتناب می باشد، بروز خسارات و لطمات بسیار سنگین وارده به شخص زیان دیده موجب پیوند عمیق و ناگستنی طب پزشکی و علم حقوق گردیده است؛ زیرا این حقوق است که از خلال تدوین قوانین، قواعد و اصول خود باید ارکان مسؤولیت مدنی را بازگو و اعلام نماید که خسارت شخص زیان دیده بر اثر عامل زیان چگونه باید جبران شود. برخلاف اقدامات و عملکرد صرفاً مقتدرانه و تحکمانه دولت که در گذشته وجود داشت و اندیشه‌های عدم مسؤولیت دولت؛ امروزه شاهد فعالیت‌ها و اعمال سودمند و مفید این شخصیت حقوقی حقوق عمومی در زمینه‌های مختلف هستیم؛ چرا که اشخاص حقوقی نیز مانند اشخاص حقیقی می تواند مورد حق و تکلیف واقع شوند و مداخله این اشخاص در زمینه‌های مختلف تجاری، صنعتی و پزشکی حقوق و مسؤولیتی را برای این پدیده‌های انتزاعی



می طلبد. بنا به اهمیت حفظ حیات بشری و به منظور تامین سلامت و منافع آحاد جامعه، مطابق قانون اساسی و قوانین عادی، تولید و توزیع فرآورده‌های خونی در صلاحیت انحصاری سازمان انتقال خون و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان بالاترین و تنها مرجع تامین خون قرار گرفته است که از این رهگذر ممکن است خسارات بسیار سنگینی به اشخاص نیازمند به خون و مصرف کنندگان وارد آید. اما این که دولت به عنوان یک شخص حقوقی می‌تواند برای جبران خسارت مسئولیت مدنی داشته باشد یا نه؛ با توجه به این مسئله که تامین محصولات خونی جزو اعمال حاکمیتی است؛ همواره محل بحث و نزاع بوده است. از آن جا که قانون ملاک و معیار مشخصی جهت تفکیک و تمییز اعمال تصدی و اعمال حاکمیتی به دست نداده است، ناگزیر هستیم با مشخصه‌هایی که استادان علم حقوق بیان نموده‌اند، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون تعیین مرجع داوری بین افراد و دولت، رویه قضایی و به لحاظ آن که مطابق اساسنامه سازمان انتقال خون متولی تامین خون هیچ گونه مابه ازای مادی دریافت نمی‌کند و خدمات این سازمان کاملاً رایگان و تبرعی است و سایر اشخاص حق مداخله در پروسه تولید و توزیعی را ندارند (به این علت که این وظیفه حائز اهمیت در صلاحیت انحصاری دولت می‌باشد)؛ با توجه به به موارد مذکور پیشین عمل مزبور را حاکمیتی تلقی کنیم. به رغم این عمل حاکمیتی دولت، مطابق آرای صادره از محاکم دادگستری و قوانین موجود تردیدی نیست که در حال حاضر دولت نیز می‌تواند مسئولیت مدنی داشته باشد و سازمان انتقال خون که سازمانی دولتی است نیز از احراز ارکان سه گانه مسئولیت مدنی مستثنا نیست و در صورت تحقق شرایط مسئولیت مدنی به جبران خسارت وارده به زیان دیده ملزم خواهد بود؛ ولی باید در نظر داشت که مسئولیت دولت در این زمینه مسئولیت محض به لحاظ عیب است و رویه قضایی حکایت از آن دارد که نهادهای مقتدر دولتی چون اداره آگاهی، سازمان بازرسی و پزشکی قانونی پس از مدت‌های مدیدی آن هم بنا به تکلیف مرجع قضایی به لحاظ پرونده کیفری مطروحه به احراز نقص وسایل سازمان انتقال خون و فقدان مجوز از وزارت بهداشت موفق شدند و زیان دیده را چه توانی در اثبات تقصیر دولت است؟ به

نظر می‌رسد به لحاظ تحولات مسؤلیت مدنی دولت و از آن جا که مفاهیمی مانند تقصیر نیز صرفاً در احراز رابطه سببیت کاربرد دارند باید به این امر قائل شویم که متولی تولید، به رعایت قوانین، ضوابط و استانداردهای موجود مطابق اساسنامه سازمان انتقال خون، قانون تشکیلات و وظایف بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی، ملزم بوده و تعهدی به نتیجه در باب ایمنی محصولات تولیدی خود دارد؛ زیرا بیمار با اعتماد به این نهاد مقتدر که از امکانات مالی و ویژه‌ای نسبت به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی برخوردار است، انتظار دریافت خونی سالم و عاری از هرگونه آلودگی را دارد و این حداقل انتظار شخص نیازمند است که بدون توقع به بهبودی کامل و رهایی از بیماری سابق خود به بیماری جدیدی مبتلا نشود. البته تعهد ایمنی و تعهد به نتیجه سازمان به امکانات، پیشرفت علم پزشکی و کشف و ویروس‌ها و عوارض انتقال خون در یک بازه زمانی تولید و عرضه محدود می‌شود و از دولت و اشخاص دیگر نمی‌توان تکلیفی مالایطاق انتظار داشت و چنین امری را بر او تحمیل کرد و به علت آنچه در آینده پیش خواهد آمد و قابل پیش بینی نبوده، به مسؤلیت حکم نمود؛ بدان سبب که چنین رویدادی از لحاظ عرفی و مفهومی ضرر نبوده و فاقد شرایط مهم ضرر از جمله قابل پیش بینی بودن و مسلم بودن است. به هر حال؛ در صورت انتقال ویروس و بروز عوارض تاخیری عفونت‌ها و ویروس‌های HBV, HCV یا HIV که دوره کمون یا پنجره‌ای را گذرانده‌اند، مسئله جبران خسارت پیش خواهد آمد؛ چه آن که دولت با تمسک به ماده ۱۱ ق.م. خود را از مسؤلیت معاف می‌داند و زیان دیده که مبتلا به بیماری شده و در یک حالت مرگ تدریجی قرار گرفته، خود را مستحق جبران خسارت اعم از مادی، مالی و معنوی می‌داند و چه بسا از دیدگاه او خسارات مازاد بر دیه و چنین تمهیدی، وضعیت سابق او را اعاده نمی‌کند. باید در نظر داشت که دولت در جهت اعمال حاکمیتی خود، به مثابه یک حکمران نیک و عادل باید عمل کند و به نظر می‌رسد ماده ۱۱ این قانون با توجه به اصول ۴۰، ۲۲ و ۱۷۱ ق. ۱، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۸۸، قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، مصوب ۱۳۸۱ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی،



مصوب ۱۳۵۴ که بر قانون مسؤلیت مدنی ۱۳۳۹ موخر است، رعایت حقوق شهروندی و حفظ حق حیات، قواعد مسلم فقهی لاضرر، من له الغنم فعلیه الغرم، لایبطل و تحذیر باید تعدیل و تفسیر گردد و فرض عدم مسؤلیت دولت به موارد و موانع قانونی، نظیر فورس ماژور، تقصیر زیان دیده و ارائه اطلاعات و هشدار نسبت به خطرات و عوارض انتقال خون از طریق رسانه‌های گروهی محدود شود تا زیان دیده به لحاظ صلاحیت ذاتی مراجع حقوقی دادگاه صلاحیت دار در صدد احقاق حق خود برآید؛ ضمن آن که در صورت شکایت کیفری حق مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم برای متضرر محفوظ است که این دادگاه‌ها به جهت صلاحیت استثنایی و اضافی خود به رسیدگی صالح خواهند بود.

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۷۶)، عدالت کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، انتشارات سمت.
۳. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰). حقوق اداری ایران، تهران، انتشارات طوس.
۴. اخوی، محسن و کاشانی، محمود (پاییز ۱۳۸۰). تکلیف زیان‌دیده به کاستن از



- خسارت با تأکید بر حقوق انگلیس و امریکا، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شیراز، دوره ۱۷، شماره ۱.
۵. ادیبی مطلق، بهزاد و دیگر همکاران (۱۳۸۶). راهنمای ایمنی زیستی آزمایشگاه، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات سازمان انتقال خون ایران.
۶. اسماعیلی، اسماعیل (پاییز ۱۳۷۳). خرید و فروش خون، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، تهران، پاییز.
۷. اکبری، موسی الرضا (خرداد و تیر ۱۳۸۴). مفهوم مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی، ماهنامه دادگستر، تهران، سال نهم، شماره ۵۰.
۸. الطرابلسی، قاضی عبدالعزیز ابن براج (۱۹۹۱م). المهذب، ج ۲۴، دارالاحیاء التراث العربی.
۹. الوجیز، به نقل از محمصانی (۱۳۸۶). صبحی رجب، فلسفه قانون گذاری در اسلام، مترجم: اسماعیل گلستانی، ج ۲، تهران، انتشارات آثار اندیشه.
۱۰. امامی، حسن (۱۳۵۶). مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق دانشکده ملی (سابق)، ص ۲۱ به نقل از پروین، فرهاد، خسارات معنوی در حقوق ایران، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۱. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان.
۱۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. (تابستان ۱۳۸۷). قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت (مسئولیت مدنی بیمه و تامین اجتماعی)، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.
۱۴. توسلی جهرمی، منوچهر (تابستان ۱۳۸۲). تاثیر اضطرار در مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، شماره ۶۰.
۱۵. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی کالاها، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰). ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ یازدهم.

۱۷. (۱۳۸۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۸. حبیبی، محمد اسحاق (شهریور ۱۳۸۳). اعتبار امر قضاوت شده، تهران، مجله معرفت، شماره ۹۳.
۱۹. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۷). مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۲۰. دالوند، فضل الله (۱۳۹۶). تقسیم مسئولیت مدنی، اصفهان، انتشارات دادیار.
۲۱. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۶). تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی، مترجم: مجید ادیب، تهران، انتشارات میزان.
۲۲. سراج، محمد احمد (۱۴۱۰ق). ضمان العدوان فی الفقه الاسلامیه، قاهره، دارالتقافه للنشر و التوزیع.
۲۳. سیفی، جمال (۱۳۸۴). رای موسوم به هموفیلی‌ها: نگاهی نو به مسئولیت مدنی دولت در رویه قضایی ایران، تهران، مجله پژوهش‌های حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، سال چهارم، شماره ۸.
۲۴. شرافت پیمان، محمد رضا (۱۳۸۶). مفهوم سبب خارجی و تاثیر آن بر مسئولیت مدنی (مطالعه تطبیقی)، پایان نامه دکترای تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۳). اصول قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد.
۲۶. صفایی، حسین و قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۰). حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران، انتشارات سمت ۶.
۲۷. صفری، محسن (۱۳۷۷). فریبکاری و آثار آن (قاعده غرور) در حقوق مدنی و فقه امامیه، تهران، انتشارات میزان و دادگستر.
۲۸. قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۷). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، انتشارات میزان.
۲۹. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۶، ص ۷۲.
۳۰. (۱۳۸۶). ماهیت و قلمرو دیه (زیان ناشی از جرم)، مجله کانون وکلای دادگستری

مرکز، تهران، شماره ۷ و ۶.

۳۱. محمد پور، اسکندر (۱۳۷۶). تحلیل قضایی از قوانین جزایی، ج ۱، تهران، انتشارات گنج دانش.

۳۲. محمد خانی، حسین (۱۳۸۶). مسؤولیت مدنی دولت در بارگه داد، تهران، انتشارات بعثت.

۳۳. مهمان نوازان، روح اله (۱۳۸۸). خسارات قابل جبران در حقوق ایران، تهران، انتشارات آثار اندیشه.

۳۴. نائینی، محمد حسن (۱۴۱۸ق). منیه الطالب، ج ۳، قم، مکتبه المرتضویه.

۳۵. نجفی، محمد حسن (صاحب جواهر) (۱۴۰۲ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۶. نجفی فتاحی، صمد (پاییز و زمستان ۱۳۸۴). جبران مادی خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۶ و ۱۸۷.

۳۷. نوری، حسین و دیگر همکاران (۱۳۸۰). اصول انتقال خون، تهران، انتشارات بنیاد امور بیماری‌های خاص.



